

برگزاری

ارتباط با

کودک

دوره‌ی غیرحضوری

کد دوره: ۹۱۴۰۰۵۲۰

میزان ساعت: ۲۴

مقطع و زمینه: ابتدایی

برگزارکنندگان:

- مرکز برنامه‌ریزی و آموزش
- نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش
- دفتر انتشارات کمک آموزشی

پرونده‌ی ضمیمه‌ی
رشد آموزش ابتدایی
شماره‌های ۱ تا ۴
(مهر، آبان، آذر و دی ماه ۱۳۹۰)

علی اکبر شکاری نژاد



ویژگی‌های دوران کودکی
به تفکیک سن و پایه

پیدا و اشتراخت برای ارتباط با کودک

بیش از اشاره به ویژگی‌های دوران کودکی و نوجوانی، بهتر است به صورتی مختصر به حقایق مهمی درباره‌ی رشد و تکامل انسان اشاره بکنیم. روان‌شناسی رشد و تکامل، زیربنای همه‌ی شاخه‌های روان‌شناسی است و آن‌چه که در افراد، اعم از کودک، نوجوان، بزرگ‌سال و سال‌مند مطالعه می‌کنیم، به‌طور عمده در روان‌شناسی رشد مطرح می‌شوند. به عبارت دیگر، روان‌شناسی رشد را می‌توان «مادر روان‌شناسی» نامید.^۱

حقایق مهم موردنظر در روان‌شناسی را می‌توان چنین خلاصه کرد:



۱. هر فرد، یک سیستم است و باید او را واحد کل و حتی بی‌نظیر در نظر گرفت، نه ترکیبی از اجزای مستقل مانند تن و روان یا عقل و بدن.
۲. دوران حیات هر فرد، یک سیستم یا شبکه‌ای خاص تلقی می‌شود که آن را فراخ‌نای زندگی یا گستره‌ی زندگی می‌نامند و تقسیم دقیق آن به مراحل گوناگون و مستقل از هم غیرممکن و نادرست است.
۳. گاهی برای آسانی مطالعه‌ی رفتار افراد ممکن است ناگزیر باشیم، دوران زندگی ایشان را به مراحل که به‌طور عمده شکل‌گیری دارند، تقسیم کنیم. در این صورت هم نباید فراموش کرد که:

۱۰. افراد با یکدیگر تفاوت دارند. یعنی هر فرد از لحاظ زیستی (ژنتیکی) با دیگران متفاوت است. حتی در دوقلوهای هم‌سان نیز تفاوت‌هایی دیده می‌شوند و هر قدر اشخاص بزرگ‌تر می‌شوند این تفاوت‌های فردی آشکارتر می‌شوند، و این تفاوت‌های فردی، در طول رشد و نمو، در میزان و درجه‌ی رشد و تکامل ثابت می‌مانند. علاوه بر آن‌ها، تفاوت‌های فردی، محیطی یا اجتماعی نیز در مردم پیدا می‌شوند و رشد می‌کنند؛ در عین حال که همانندی‌هایی نیز پیدا خواهند شد. بنابراین می‌توان گفت، هر کودک به صورت ذاتی بی‌همتا است و نمی‌توان (و نباید) او را با کودکان دیگر، حتی با پدر و مادر یا برادر و خواهرش مقایسه کرد.

خصایص رشد و تکامل در کودکان

بیشتر روان‌شناسان رشد معاصر، تقسیم یا طبقه‌بندی گستره‌ی زندگی را تأیید نمی‌کنند و ترجیح می‌دهند که رشد و تکامل را هم‌چون فرآیند زنجیره‌ای در سراسر زندگی مطالعه کنند. حتی موافقان تقسیم دوران رشد انسان به مراحل گوناگون، خود نیز آن را فرآیند تعاملی پایدار می‌خوانند، زیرا هر مرحله، محصول مرحله یا مرحله‌ای قبل و زمینه‌ی مراحل بعد رشد و نمو به‌شمار می‌رود. بنابراین، ناگزیریم در بحث از روان‌شناسی کودک و روان‌شناسی نوجوان به این واقعیت علمی توجه داشته باشیم. به عبارت دیگر، در بحث از ویژگی‌های دوران کودکی و نوجوانی باید هر ویژگی را صرفاً یک مؤلفه از یک سیستم تلقی کنیم نه بیشتر. از اشاره به آن‌ها نیز هدفی جز این نداریم که در هر گونه آموزش - پرورش با تدبیر و تلاش نظام‌دار برای تغییر رفتار وقتی موفق خواهیم شد که بخوبی دریابیم:

۱. مخاطب ما (کودک یا نوجوان) چیست؟ کیست؟

- الف) این مراحل آن‌چنان به یکدیگر پیوسته و وابسته‌اند که هر مرحله، مقدمه‌ی مرحله‌ی بعد و محصول مرحله‌ی قبل از خودش است.
- ب) هر مرحله‌ی رشد و تکاملی، اهمیت خاص خود را دارد. نمی‌توان گفت (و نباید گفت): دوران کودکی مهم‌تر از دوران بزرگسالی است، مگر به عنوان پایه. از سوی دیگر، در هر دوره، برخی از ویژگی‌ها برجستگی بیشتری پیدا می‌کنند.
- پ) هر مرحله‌ی رشد و تکاملی شخص با خطرهایی همراه است.^۲
۴. رشد و تکامل در دوران زندگی، نتیجه‌ی تعامل مداوم نضج (بالیدگی) و یادگیری یا طبیعت و تجربه (تربیت) است.
۵. رشد و تکامل طبیعی و سالم در محیط سالم و مساعد، امکان‌پذیر است.

۶. در هر مرحله‌ی رشد و تکامل، انتظارهای خاصی مطرح می‌شوند:
- الف) انتظارهای فرد از دیگران
- ب) انتظارهای دیگران از فرد
۷. مبانی یا پایه‌های نخستین رشد و تکامل مهمند، زیرا گرایش‌ها، عادت‌ها، و الگوهای رفتاری تشکیل و تکوین یافته در نخستین سال‌های زندگی تا حد زیاد، تعیین می‌کنند که افراد در بزرگسالی چگونه با زندگی یا شرایط آن سازگاری خواهند کرد.
۸. رشد و تکامل انسان از الگوی معین و قابل پیش‌بینی پیروی می‌کند. هرگاه شرایط و عوامل محیطی مانع رشد و تکامل طبیعی نشوند، از یک الگوی همگانی پیروی خواهد کرد. در نتیجه، ما می‌توانیم پیش‌بینی کنیم که اشخاص، در سن معین، چه خواهند کرد و برای آموزش و پرورش ایشان چگونه باید برنامه‌ریزی کرد.
۹. رشد و تکامل، فرآیندی است تدریجی و مداوم.

۲. مخاطب ما چگونه رشد می کند؟

۳. مخاطب ما چگونه یاد می گیرد؟

۴. مخاطب ما در رشد و یادگیری خود از چه عواملی متأثر می شود؟

۵. مخاطب ما از آموزش و پرورش (در مدرسه و خانواده) چه

انتظاراتی دارد؟ و ما از او چه انتظاراتی داریم؟

۶. زمینه را چگونه برای رشد و یادگیری او آماده گردانیم؟

۷. برای موفقیت در تغییر رفتار او از چه وسایلی و چگونه باید

استفاده کنیم؟

ویژگی های اجتماعی

* در این دوران رشد و تکامل، کودکان غالباً انتخابی هستند، یعنی دوستان و هم بازی های خود را شخصاً انتخاب می کنند. دوستی های ایشان بیش و کم پایدارند. احتمالاً «خصومت» نیمه ثابتی به اوج خود برسد.

* کودکان در این سن، بازی های متشکل و سازمان یافته را در گروه های کوچک ترجیح می دهند. لیکن ممکن است به مقررات و قواعد خودساخته خارج از گروه، علاقه مند و پای بند باشند. به نظر **پیاز**ه کودکان در این دوره رشد و نمو تحت فشار اخلاقی هستند، یعنی هنوز نمی دانند یا مشکل است که بفهمند چه را و چگونه باید مقررات تحمیلی را در موقعیت های خاص رعایت کنند.

* در دانش آموزان این دوره ی تحصیلی هنوز هم نزاع یا دعوا میان کودکان فراوان دیده می شود. معمولاً پرخاش گری کلامی بیش از پرخاش گری بدنی است. اما ممکن است که مخصوصاً پسران به مشت زدن و تنه زدن متوسل شوند. دعوای اتفاقی مورد انتظارند، لیکن در برخی از کودکان دعوای طولانی هم دیده می شوند.

سه کلاس اول ابتدایی (۶-۹ سالگی)

ویژگی های بدنی

* دانش آموزان کلاس های ابتدایی هنوز بسیار فعالند. به همین سبب است که وقتی ایشان را وادار می کنند که به فعالیت های نشسته بپردازند ناگزیر، انرژی اضافی خود را به شکل عادت های عصبی از قبیل جویدن مداد، جویدن ناخن، پیچاندن موی سر، و بی قراری کلی صرف می کنند.

* کودکان در این کلاس ها باز هم به فرصت های استراحت نیاز دارند زیرا، به سبب تلاش های ذهنی و بدنی فراوان به آسانی خسته می شوند. از این رو، لازم است در برنامه ی کارشان فعالیت های آرامی را از قبیل داستان گوئی یا مشاعره پیش بینی کرد.

* دانش آموزان هنوز هم می توانند عضلات بزرگ بدن شان را کنترل کنند و بیشترشان، خصوصاً پسران، در کار کردن با مداد یا خودکار مشکل دارند. بنابراین، باید در برنامه ی درسی ایشان تمرین و تجربه نوشتن زیاد باشد که در غیر این صورت ممکن است، کودک نسبت به فرایند نوشتن یا حتی مدرسه گرایش منفی پیدا کند.

* بیشتر دانش آموزان کلاس اول ابتدایی در تمرکز روی حروف چاپی ریز، مشکل دارند و از ایشان نباید انتظار داشت که زیاد بخوانند، و باید مراقب نشانه های خستگی چشم (مالیدن چشم یا چشمک زدن) ایشان بود.

* کودکان در این مرحله از زندگی علاقه مندند حرکات و فعالیت های بدنی زیادی داشته باشند. به طور تقریبی می توانند بدن خود را خوب کنترل کنند. به مهارت های حرکتی خویش اعتماد فراوانی دارند. در نتیجه، خطرهای احتمالی موجود در فعالیت ها را ناچیز می شمارند. از این رو، در این دوره معمولاً حوادث و سوانح بیشتری اتفاق می افتند.

* رشد و نمو استخوانی هنوز کامل نیست؛ بنابراین، استخوان ها و مفصل ها نمی توانند فشارهای سنگین را تحمل کنند.

ویژگی های هیجانی و عاطفی

دانش آموزان دوره ی ابتدایی نسبت به انتقاد و استهزاء حساسند و ممکن است در سازش یا کنار آمدن با شکست و ناکامی مشکل پیدا کنند. کودکان در این سن ها به تمجید و شناخته شدن (مشهور شدن) نیاز فراوان دارند و مخصوصاً علاقه مندند که مورد تحسین معلمان خود قرار گیرند. کودکان خردسال، ممکن است، از انتقاد ناراحت و حتی خرد شوند. برای پیش گیری از این فرایند ناگوار، لازم است، تا حد امکان، فرصت های تقویت مثبت را فراوان کرد و واکنش های خود را برای رفتارهای بد غیردرسی (غیر تحصیلی) ذخیره کرد. فراموش نکنیم که در این دوره ی رشد و نمو، کوشش در مقابل کهتری است (از دیدگاه اریکسن) بنابراین، اگر طوری با کودکان برخورد کنیم که ایشان احساس کهتری کنند، طبعاً از رشد و گسترش تلاش ایشان جلوگیری خواهیم کرد.

* بیشتر کودکان کلاس های ابتدایی مشتاق اند که از معلمان خود سپاسگزاری کنند و معمولاً از ایشان رضایت خاطر دارند. دوست دارند به دیگران کمک کنند. از قبول مسئولیت لذت می برند، می خواهند تکلیف های درسی (یا مدرسه ای) خود را بهتر انجام دهند.

* کودکان در این دوره ی رشد و تکامل نسبت به احساسات دیگران حساس می شوند. گاهی همین حالت سبب می شود که دیگران را از خود بیازارند و احساساتشان را جریحه دار کنند.

ویژگی‌های شناختی

* به‌طور کلی، دانش‌آموزان ابتدایی شدیداً علاقه‌مند و مشتاق‌اند بیاموزند. آن‌چه که در آموزش دبستانی بسیار مهم است انگیزش دانش‌آموزان است. و مسئله اساسی و عمده‌ی هر معلم این است که آن انگیزش را چگونه به حداکثرش برساند.

* کودکان در این دوره، رشد و تکامل دوست دارند حرف بزنند و گفتن بیش از نوشتن برای ایشان آسان است. هم‌چنان علاقه‌مندند به هر پرسشی پاسخ دهند و به درست و نادرست بودن پاسخ‌هایشان توجه ندارند.

* ممکن است در تعبیر و تفسیر لفظی مقررات، در‌ی‌وری‌هایی بگویند و این فرایند را باید کاملاً طبیعی تلقی کرد.

کلاس‌های چهارم و پنجم دبستان (۹-۱۱ سالگی)

ویژگی‌های بدنی (اندامی)

* در بیشتر دختران، رشد و نمو ظاهراً ناگهانی دیده می‌شود در صورتی که پسران رشد و نمو تقریباً به شکل طبیعی و نامحسوس ادامه دارد. به‌طور متوسط، دختران میان ۱۰ تا ۱۴ سالگی بلندتر و سنگین‌تر از پسران هستند. به این سبب، که دختران سریع‌تر از پسران نضج پیدا می‌کنند و معمولاً نمو سریع خود را حدود دو سال زودتر از پسران تجربه می‌کنند.

* کودکان همین که به دوران بلوغ نزدیک می‌شوند، کنج‌کاوی‌شان درباره‌ی جنسیت و امور جنسی، بویژه در دختران، افزایش می‌یابد.

* هم‌آهنگی حرکتی ریز و کار کردن با عضلات کوچک اندام کاملاً خوب است. بنابراین، دست‌کاری در اشیای ریز برای بیشتر کودکان در این سنین، آسان و حتی لذت‌بخش است. کارهای هنری، مهارت‌های دستی، و پرداختن به موسیقی و علاقه به نواختن بعضی سازها میان کودکان این دوره، تقریباً عمومیت دارد.

ویژگی‌های اجتماعی

* رشد اجتماعی پسران و دختران در حال رشد و گسترش نسبتاً زیاد است. گروه هم‌سالان، نیرومند می‌شود و تقریباً جای بزرگ‌سالان را می‌گیرد و منبع عمده‌ی معیارهای رفتار و حتی معیار شناخت موفقیت و پیشرفت می‌شود.

* بین سال‌های ۶ و ۱۱-۱۲ رشد و تکامل استدلال‌های اجتماعی به درک و شناخت هرچه بیشتر احساسات دیگران می‌انجامد. و منظور از «استدلال اجتماعی» توانایی درک رابطه میان انگیزه‌ها و رفتار میان

گروهی از مردم است.

تشویق و تقویت فعالیت‌های اجتماعی

در مدرسه و آموزش‌های مشارکتی از جمله‌ی

بهترین عوامل تربیت اجتماعی کودکان به‌شمار

می‌روند. ما مربیان و معلمان نباید فراموش کنیم، با توجه به آن‌چه در

نظریه‌های رشد گفته شد، هرگونه آموزش هنگامی مؤثر خواهد شد که

با رشد و تکامل طبیعی کودکان و نوجوانان هماهنگ باشد.

ویژگی‌های هیجانی و عاطفی

* رشد هیجانی و عاطفی کودکان به سرعت ادامه دارد و نگرش ایشان به احساسات و عواطف خویشتن و دیگران جدی‌تر و تندتر می‌شود.

* وجود تعارض میان مقررات اخلاقی و انضباطی گروه کودکان با گروه بزرگ‌سالان، ممکن است، دشواری‌هایی را بار آورد که گاهی به بزهداری کودک یا نوجوان بینجامند.

* در این دوره‌ی تحصیلی بی‌نظمی‌های رفتاری به حداکثر می‌رسند، اما بیشتر کودکان، راه‌های سازگاری خود را کشف می‌کنند، خصوصاً میان ۱۰ تا ۱۸ سالگی یاد می‌گیرند که چگونه با محیط کنار آیند.

ویژگی‌های شناختی

* دایره‌ی شناخت وسیع‌تر می‌شود و عمق پیدا می‌کند، اگرچه هنوز از تفکر انتزاعی یا درک مفهومی‌های انتزاعی ناتوان هستند.

* تفاوت‌هایی در شیوه و سبک شناخت آشکار می‌شوند.

* در توانایی‌های خاص و عمل‌کردهای تحصیلی نیز تفاوت‌های جنسی دیده می‌شوند.

* علاوه بر تفاوت‌های جنسی کلی و توانایی‌های یادگیری خاص،

در شیوه‌های شناخت نیز تفاوت‌هایی را می‌بینیم. منظور از این شیوه و

سبک، تمایل دانش‌آموزان به این است که در برخورد با فعالیت‌های

ذهنی یا حل مسئله، به شیوه‌های مخصوص، پاسخ دهند. مثلاً کودکانی

هستند که علاقه دارند زودتر پاسخ دهند حتی بدون این که در درستی

پاسخ خود بیندیشند. و کودکانی هم هستند که دوست دارند پاسخ

درست بدهند تا پاسخ سریع.

پی‌نوشت

۱. روان‌شناسی رشد از همین مؤلف چاپ نوزدهم. انتشارات مؤسسه‌ی اطلاعات، تهران.

۲. این خطرها را می‌توان در کتاب «روان‌شناسی رشد» از همین مؤلف مطالعه کرد.